

به ظاهر ساده، اما مهم - بخش دوم

مسئله این است: صبحانه یا ناهار!

|| ناص - رنوروزی ||



اشاره

نخستین بخش از سلسله مطالب «به ظاهر ساده اما مهم» را که مروری است بر مسائل مثلاً پیش یا افتاده در مدیریت آموزشگاهی، به پول چایی یا چگونگی سرو و مصرف چایی در مدرسه اختصاص دادیم. در این شماره، موضوع دیگری را مطرح خواهیم کرد که به نوعی با موضوع شماره قبل نزدیک است و آن مسئله به ظاهر ساده صبحانه و ناهار خوردن در مدرسه است. امیدواریم این مسائل ساده، پیش یا افتاده تلقی نشوند و مدیران مدارس برای برخورد مناسب با آن‌ها چاره‌جویی کنند. زندگی پرشتاب امروزی چنان شرایطی ایجاد کرده است که افراد، به‌ویژه کسانی که مشاغل اداری و مبتنی بر ساعت کاری مشخص دارند و نیز بیشتر در شهرهای شلوغ‌تر و صنعتی‌تر ساکن هستند، بدون آنکه صبحانه بخورند منزل را ترک می‌کنند. در واقع، این افراد به دنبال آن‌اند که به موقع سر کار خود حاضر شوند و بدون هیچ‌گونه توبیخ، سرزنش و بازخواستی کارشان را شروع کنند. بسیاری از فرهنگیان، از جمله معلمان و کارکنان اداری اعم از مدیران و معاونان هم جزو این دسته از افرادند. آن‌ها مجبورند صبحانه نخورند یا صبحانه خود را سر کار بخورند. البته در مورد دسته‌ای از همین افراد که به اقتضای محل کار خود، ساعات کار آن‌ها تا ساعاتی بعد از ظهر و بعضی‌ها تا عصر به طول می‌انجامد، صرف نهار در مدرسه نیز به دغدغه‌های کاری آن‌ها تبدیل می‌شود. در واقع مسئله این است: «صبحانه یا ناهار در مدرسه، آری یا نه؟»

خود آورده‌اند، مشغول می‌شوند. در برخی از مدرسه‌ها هم، تهیه صبحانه ساده به‌صورت گردشی به اولیا سپرده می‌شود و والدین هر یک از دانش‌آموزان در طول سال به‌جای تهیه انواع صبحانه‌های ساده برای فرزند خود، هر ماه یک‌بار صبحانه همه بچه‌های کلاس را تهیه می‌کنند. همچنین، در بازدیدهایی که از برخی مدرسه‌ها داشتیم، مشاهده کردم که این کار را خود مدرسه بر عهده گرفته است. در هر صورت، دو اقدام اخیر (تهیه صبحانه توسط یکی از اولیا یا مدرسه) به هماهنگی‌هایی نیاز دارد که به هر حال وقت‌گیر است. **در خیلی از مدرسه‌ها، در زنگ‌های تفریح اول یا دوم (بسته به ساعت شروع کار مدرسه و مدت زمانی که تا پایان کار مدرسه باقی مانده است) سفره صبحانه گشوده می‌شود. معمولاً محتوای این سفره به یکی از شکل‌های زیر تأمین می‌شود:**

معلمان مواد سفره را تأمین می‌کنند و هر یک با خود چیزی (نان و پنیر و شامی و کنتلی) به مدرسه می‌آورند. البته تهیه چای (با یکی از شق‌هایی که در شماره قبل ذکر آن رفت) بر عهده مدرسه است. در برخی از مدرسه‌های کم‌جمعیت، در این شیوه، آوردن نوبتی اقلام صبحانه هم مشاهده شده است.

مدرسه محتوای سفره را تأمین می‌کند (با دریافت یا بدون دریافت وجه از معلمان و سایر کارکنان). گردانندگان بوفه یا تعاونی مدرسه (چه دانش‌آموزان باشند، چه بوفه) به افرادی خارج از مدرسه اجازه داده شده باشد و چه توسط نیروهای خدماتی مدرسه اداره شود)، موظف‌اند محتوای سفره را تأمین کنند. این مورد اگر چه نادرست است، ولی در مدرسه‌هایی که بوفه‌های پرونقی دارند، به‌ویژه در مدرسه‌های دوره متوسطه پرجمعیت و دولتی تهران، شایع است.

در تعداد محدودی از مدرسه‌ها، که غالباً نیز غیردولتی هستند، شاهد شیوه دیگری هستیم که در نوع خود جالب است. در این مدرسه‌ها - که حداقل پنج شش مورد آن‌ها را از نزدیک دیده‌ام، دفتر معلمان و همکاران، یک اتاق پشتی هم دارد که در آنجا علاوه بر یخچال، سماور و فلاسک‌های چای، ظرف‌های پلاستیکی خیلی تمیزی هم قرار دارد که نان‌های تازه بریده شده و مرتب داخل آن‌ها جای گرفته‌اند. علاوه بر سرو چای دسته‌جمعی، هر کدام از همکاران که به جای بیشتر یا صرف لقمه‌ای نان و پنیر یا چیزهای دیگر نیاز داشته باشد، به اتاق پشتی می‌رود و صبحانه‌اش را می‌خورد. این مورد به یک زنگ هم اختصاص ندارد و همکاران می‌توانند هر وقت که اراده کردند، از نان و پنیر و خوردنی‌های دیگر آنجا استفاده کنند. البته مسئولیت‌پذیری و حفظ نظم و انضباط وسایل و ملزومات اتاق پشتی و رعایت نظافت موردی است که

در بررسی‌های به عمل آمده از مدرسه‌های کشورمان، شاهد راه‌های گوناگونی از حل و فصل یا ایجاد چالش در مورد این موضوع به ظاهر ساده و پیش‌پا افتاده بودیم:

برخی از مدرسه‌ها، اساساً خوردن صبحانه در مدرسه را البته نه به شکل رسمی، بلکه تلویحی، ممنوع کرده‌اند. به اعتقاد مدیران این مدرسه‌ها، چه معنی دارد که در زنگ‌های تفریح اول یا دوم، سفره‌ای گشوده و دفتر مدرسه به سالن غذاخوری تبدیل شود. در این مدرسه‌ها، همکاران، لقمه‌های کوچک نان و پنیر، ساندویچ‌های ساده، بیسکویت و کیک مختصر و چیزهایی از این دست تهیه می‌کنند و در کیف‌ها و جیب‌هایشان به مدرسه می‌آورند. تحمل گرسنگی تا ظهر، زود بیدار شدن صبحگاهی و صرف صبحانه با دهانی نیمه‌باز در منزل نیز از جمله راهکارهای شناخته شده است.

در برخی از مدرسه‌ها - عمدتاً ابتدایی - به توصیه مدیران مدارس و همراهی آموزگاران، ده دقیقه آخر ساعت اول کلاس که به زنگ تفریح اول منتهی می‌شود، برنامه ساده‌ای با عنوان‌های «زنگ سلامت»، «وقت صبحانه»، «لقمه صبحگاهی» و... برگزار می‌شود که در آن آموزگار و دانش‌آموزان به خوردن صبحانه‌ای ساده و یکسان که همه از قبل و به سفارش آموزگار

در برخی از
مدرسه‌ها طبق
رسم و رسومی
نابوده، از
همکاران بنا به
دلایلی خواسته
می‌شود صبحانه یا
حتی نهار بدهند



همه همکاران به شدت رعایت می‌کنند.

در برخی از مدرسه‌ها عملاً صبحانه‌ای سرو نمی‌شود ولی شیرینی‌هایی که اولیا یا مسئولان و همکاران، به مناسبت‌های گوناگون، به مدرسه می‌آورند، در زنگ‌های تفریح همراه با چای سرو می‌شود. البته در بعضی مدرسه‌ها، که سفره صبحانه دارند، در روزهایی که شیرینی جزو بساط صبحانه و همراه چای است، نان و پنیر حذف می‌شود.

از همه این‌ها که بگذریم، روش بسیار دلچسب، باصفا و زیبایی نیز وجود دارد که هنوز در مدارس روستاهای کشورمان و نیز میان عشایر رایج است. اهالی روستا به نوبت یا براساس علاقه خود سینی صبحانه چشم‌نوازی شامل نان و پنیر، گردو، تخم‌مرغ و چایی را آماده کرده و اول صبح یا بعد از زنگ اول به مدیر آموزگار روستا پیش کش می‌کنند. در یکی از مدارس روستایی آذربایجان غربی در هنگام بازدید از یک مدرسه چند پایه، روی دیوار فهرستی دیدم که معلوم بود خط و کار خود بچه‌هاست. در فهرست اسامی روزهای هفته نوشته شده و اسامی بچه‌ها مقابل هر روز قید شده بود. بچه‌ها این اطلاعیه را «صبحانه آقا معلم» نام نهاده بودند.

از توضیح درباره شق‌های گوناگون صرف نهار به دلیل محدود بودن تعداد مدرسه‌هایی که همکاران آن‌ها نهار خود را در مدرسه صرف می‌کنند، درمی‌گذریم. البته بدیهی است که صرف این وعده غذایی در مدرسه‌ها هم خود آداب و آیین‌هایی دارد که فعلاً از حوصله بحث ما بیرون است.

حال با توضیحاتی که دادیم ممکن است بگویید حالا همه مشکلات مدرسه‌ها حل شده و تنها مسئله باقی‌مانده صبحانه خوردن همکاران است؟ گفتیم که داریم از مسائل به ظاهر ساده و تأثیرگذار صحبت می‌کنیم و طبیعی است معلمی که بنیة کافی نداشته باشد، از عهده تدریس بر نخواهد آمد.

به این چند نکته توجه کنید

چالش‌ها

• بسیاری از افراد به درستی روی حلال و حرام بودن لقمه‌هایی که می‌خورند، حساس‌اند. باید به‌طور شفاف برای معلمان خود توضیح دهید بودجه صبحانه‌ای که برای آن‌ها تهیه می‌کنید، از کجا تأمین شده است. سال‌ها پیش یکی از همکاران مرد در دبیرستانی که صبحانه آن را گردانندگان بوفه مدرسه تأمین می‌کردند، از صرف صبحانه خودداری کرده بود. من آن سال‌ها در یکی از ادارات آموزش و پرورش تهران مسئولیتی داشتم. گفت‌وگوی مدیر و همکار مذکور در مورد راضی بودن یا راضی نبودن گردانندگان بوفه از اینکه به رایگان صبحانه همکاران را تأمین کنند، بالا گرفته و ماجرا برای حل و فصل به اداره کشیده شده بود. آن همکار محترم به

صراحت می‌گفت خدمتگزاران اداره‌کننده بوفه از مدیر مدرسه خوف دارند و تأمین صبحانه همکاران، نوعی باج سبیل است که آن‌ها به مدرسه می‌دهند. پس، این لقمه شبهه‌ناک است.

• در مدرسه‌هایی که والدین تهیه صبحانه همه دانش‌آموزان را نوبتی عهده‌دار می‌شوند، نارضایتی‌هایی دیده شده است ولی معمولاً اولیا از بیان اعتراض‌های خود خودداری کرده و دم فرو بسته‌اند.

• در مدرسه‌هایی که والدین تهیه صبحانه همه دانش‌آموزان را نوبتی عهده‌دار می‌شوند، چشم و هم‌چشمی‌هایی دیده شده است و صبحانه ساده به صبحانه‌هایی تجمعاتی تبدیل شده است.

• در مدرسه‌هایی که تهیه مواد صبحانه (و در برخی موارد نهار) به‌صورت نوبتی به عهده همکاران بوده، مسائلی بروز کرده است. از جمله اینکه برخی عملاً خود را کنار می‌کشند و بدون آنکه چیزی بیاورند، همیشه جزو مصرف‌کنندگان‌اند. بعضی‌ها نیز به تجمعات و تشریفات ماجرا می‌افزایند و عملاً دیگران را در محظوریت قرار می‌دهند.

• در برخی از مدرسه‌ها طبق رسم و رسومی نابوده، از همکاران بنا به دلایلی خواسته می‌شود صبحانه یا حتی نهار بدهند. قبول شدن در کارشناسی ارشد، ازدواج فرزندان، تولد نوزادی جدید، سفر مکه و کربلا، خرید خانه، برنده شدن در مسابقه‌ای کشوری، معلم نمونه شدن و... از جمله بهانه‌هایی است که اگر نه هر روز، بالاخره در هر هفته می‌توان یکی دو موردش را مشاهده کرد. یکی از همکاران فرهنگی که بدون رودربایستی اجازه داده است اسمش را بنویسم (آقای پوراسکندر از تهران)، می‌گفت: «در جایی کار می‌کردیم. شوخی شوخی برای تمامی ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت یک سال تحصیلی مناسبت راست و ریست کردیم و از همکاران صبحانه گرفتیم. البته خودم هم مجبور شدم به‌خاطر سالروز تولدم، قبول شدن پسریم در آزمون مدرسه تیزهوشان و نیز انتخابم به‌عنوان معلم نمونه مدرسه، سه بار صبحانه بدهم».

• از دیگر چالش‌های موجود در این زمینه، تمیزی ظرف و ظروف، چگونگی آماده شدن وسایل و مواد صبحانه و قرار داده شدن آن‌ها روی میز صبحانه و مسائلی از این دست است. بارها دیده شده است همکار محترم خدمتگزار، وسایل نظافت و دستمال خود را گوشه‌ای گذاشته و به‌صورت غیربهداشتی به بریدن نان و گوچه و خیار مشغول شده است. برخی از همکارانی که اساساً چیزی در مدرسه نمی‌خورند، جزو افرادی هستند که به این مسائل حساسیت بیشتری دارند و باید این حساسیت بهداشتی - نظافتی آن‌ها را به‌شدت در نظر گرفت.

• از چالش‌های دیگری که در این زمینه وجود

دارد، کوتاه بودن دست معاونان آموزشی، برخی از مربیان پرورشی و دست‌اندرکاران امور اجرایی مدرسه‌ها از صبحانه‌های آماده شده است. چرا که در اغلب مواقع این افراد در هنگام صبحانه خوردن بقیه همکاران، در حال حضور در جمع دانش‌آموزان و رتق‌و‌فتق کردن امور انضباطی هستند و وقتی سر سفره برمی‌گردند که تقریباً همه چیز خورده شده یا به هم ریخته است. تعیین زمان صبحانه برای این افراد و یا جدا کردن سهم آنان پیش از آغاز صبحانه بقیه همکاران شاید یکی از راه‌های رفع این چالش باشد.

یک مطایبه صبحانه‌ای

یکی از دوستانم می‌گوید: «سال‌های ۷۴ و ۱۳۷۵، مدتی سردبیر هفته‌نامه نگاه وزارت آموزش و پرورش بودم. قبل از من نگاه در هشت صفحه سیاه‌وسفید و به‌صورت ماهانه چاپ می‌شد. من که سردبیر شدم، مسئولان وقت را مجاب کردم که نگاه رنگی و هفتگی شود و تعداد صفحات آن به ۱۶ صفحه افزایش یابد. استقبال از نگاه خیلی خوب شد و علاوه بر وزیر وقت و مسئولان مربوطه، فرهنگیان هم از محتوای آن راضی بودند. روزی تلفنی به دفتر نشریه شد. کسی که پشت خط بود، از افزایش صفحات نگاه ابراز رضایت می‌کرد و می‌گفت با افزایش صفحات نگاه و هفتگی شدن آن، مشکل اساسی ما در مدرسه تقریباً حل شده است، ولی اگر تعداد صفحات را به ۲۴ برسانید، مشکل ما کاملاً حل خواهد شد.

نمی‌فهمیدم چه می‌گوید و منظورش از حل شدن تقریبی مشکلشان چیست. ذوق‌زده گفتم: «می‌شود مقداری بیشتر توضیح دهید؟»

آقای محترمی که پشت خط بود گفت: «کاغذ نگاه خیلی خوب است. ما صبح‌ها که در مدرسه صبحانه می‌خوریم، هر روز از یک ورق چهار صفحه‌ای نگاه برای قرار دادن نان و پنیرمان استفاده می‌کنیم. با ۱۶ صفحه‌ای و هفتگی شدن نگاه مشکل چهار روز ما حل شده است. اگر آن را ۲۴ صفحه‌ای کنید، برای دو روز دیگر هفته هم زیرانداز خواهیم داشت!»^۱

مطایبه لطیفی بود ولی نکته تلخی را در خود نهفته داشت: هر نشریه‌ای که از طرف آموزش و پرورش برای معلمان و مدارس منتشر می‌شود، در وهله اول باید به نیازهای مخاطبانش توجه داشته باشد؛ در غیر این صورت ممکن است استفاده‌های دیگری از آن به‌عمل آید.

یک نکته ظریف

برگزاری آیین‌های مذهبی در مدرسه‌ها و نهادینه کردن ارزش‌های دینی یکی از اولویت‌های اصلی ماست. در بسیاری از مدرسه‌ها، در صبح‌های خاصی از ایام هفته، مراسم زیارت عاشورا، قرائت دعای توسل،

ختم انعام و... برگزار می‌شود. بسیاری از این برنامه‌ها، با صرف صبحانه یا توزیع شربت و شیرینی یا خوراکی خاص همراه است که علاوه بر دانش‌آموزان، ممکن است معلمان هم از آن صرف کنند. تمام حساسیت‌های قبلی که ذکر شد، در مورد این قبیل صبحانه‌ها، صد چندان می‌شود.

در این قبیل موارد، باید دقت کرد هیچ‌یک از کارهای ما (از برگزاری مراسم تا توزیع صبحانه) کوچک‌ترین ایرادی نداشته باشد تا خدای نکرده کاری شبه‌ناک انجام نداده باشیم.^۲

پرسش‌هایی برای بحث، گفت‌وگو و تبادل نظر

۱. شیوه صبحانه خوردن همکاران و دانش‌آموزان در مدرسه شما چگونه است؟ آیا تاکنون در این زمینه با مشکلی روبه‌رو نبوده‌اید؟ به نظر شما بهترین روش کدام است؟ توضیح دهید.

۲. عده‌ای می‌گویند: «انرژی و توانی که یک تدریس درست و اصولی به مدت ۹۰ دقیقه لازم دارد، درست به اندازه صعود یک کوه‌نورد به قله‌ای ۱۵۰۰ متری است». به نظر شما اگر تغذیه صحیح میان‌روزی همکاران دچار اختلال شود، آن‌ها در صعود خود با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهند شد؟

آیا موافقت صبحانه خوردن همکاران را در طبقه‌بندی نظریه‌های مدیریتی، در ذیل نظریه انگیزشی - بهداشتی «هرزبرگ» قرار دهیم؟ در این مورد با مراجعه به کتاب‌های مدیریتی^۳ تحقیق کنید.

۳. هفت چالش ذکر شده در متن مطالعه موردی را بار دیگر بخوانید و راه‌حل‌های اصلاحی خودتان را برای رفع این چالش‌ها ارائه دهید.

۴. به نظر شما گسترده شدن بساط صبحانه (و ایضاً نهار) در مدرسه، تا چه اندازه می‌تواند موجب بروز همدلی و انسجام سازمانی یا برعکس ایجاد اختلال در کار مدیریت مدرسه و حتی جابه‌جایی نیروها شود؟ هر یک را با فرضیات و احتمالات ممکن بشکافید و تحلیل کنید.

خب، خسته نباشید. با یک کاسه عدسی داغ چطورید؟ رویش دارچین و گل‌پر بریزیم یا همین‌طور خالی می‌خورید؟ البته لیمو هم داریم. عدسی‌هایتان را که خوردید، کلاس‌ها آماده است؛ لطفاً یک مقدار سریع‌تر.

پی‌نوشت

۱. برای آشنایی با ویژگی‌های هفته‌نامه نگاه در این برهه زمانی نگاه کنید به: نگاه و تفاوت در نوع نگاه. هفته‌نامه نگاه پنج‌شنبه، شماره ۳۰، تهران، ۱۳۹۱.

۲. برای برپایی یک مراسم مذهبی شاداب نگاه کنید به: محرم در بابا باغی. ماهنامه رشد معلم، تهران، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، آذر ماه ۱۳۹۰.

۳. یکی از جامع‌ترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار نوشته ناصر میرسپاسی است.

شیوه صبحانه خوردن همکاران و دانش‌آموزان در مدرسه شما چگونه است؟ آیا تاکنون در این زمینه با مشکلی روبه‌رو نبوده‌اید؟

